



اقسام وحی از دیدگاه قرآن

مریم باقری فرد

کارشناس ارشد دانشگاه پیام نور کاشان، رشته علوم قرآن و حدیث

چکیده

مهمترین مبنای دینداری و دین باوری در ادیان آسمانی و حیانت آموزه ها و دستوره‌های پیامبران خداست که انکار آن با انکار نبوت و ایمان دینی مساوی است.

وحی، بیانگر ارتباط خدا و انسان است. جایگاه خاص انسان در نظام آفرینش موجب شده است تا ارتباط فراتر از تکوین، میان انسان و خداوند برقرار گردد. زیرا انسان به عنوان خلیفه الهی می بایست در مسیر تحولات و شدن های کمالی و فعلیت بخشی به ظرفیت های رسیدن به مقام عینی خلافت الهی، تحت تعلیم و تربیت و تزکیه مستقیم الهی قرار گیرد. از این رو افزون بر راهنمای درونی به نام عقل، وحی نیز به خدمت انسان آمده است تا این مسیر به سلامت پیموده شود و انسان در مقام خلافت قرار گیرد و مسئولیت ماموریت خویش را به درستی انجام دهد.

در فرهنگ اسلامی شناخت وحی و کیفیت نزول آن بر قلب پیامبر (ص) تا این اندازه از اهمیت برخوردار است که صدرالمتهالین شیرازی معتقد است: همان گونه که به هر مومنی ایمان به آن چه بر پیامبران فرستاده شده لازم است، دانستن چگونگی نزول وحی نیز بر عهده هر عالم است. در قرآن کریم وحی در موارد متعددی به کار رفته است. عناوینی که در این مقاله مطرح شده، ابتدا وحی در قرآن و تعریف وحی از لحاظ لغوی و اصطلاحی را بیان کرده سپس به بررسی کاربرد وحی و اقسام وحی در قرآن کریم می پردازیم.

کلید واژه ها: وحی در قرآن، تعریف وحی، (وحی از لحاظ لغوی و اصطلاحی) کاربرد وحی و اقسام وحی در قرآن کریم



مقدمه

«وحی» عبارت است از: تفهیم ویژه یک سلسله حقایق و معارف از جانب خداوند به پیامبران از راهی غیر عادی (یعنی راهی غیر از راه تجربه و عقل و شهود عرفانی) برای ابلاغ به مردم و راهنمایی آنان ،

قرآن کریم در مورد اقسام «وحی» می فرماید: « وَ مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآيَاتِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ » (شوری / ۵۱) ، و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید، جز از راه { وحی یا از فراسوی حجابی یا فرستاده ای بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید. آری، او بلندمرتبه سنجیده کار است.

طبق این آیه شریفه، انسان فقط از سه راه می تواند سخن خدا را بشنود.

۱- از عطف موارد سه گانه با «و» به یکدیگر، معلوم می شود که این سه با هم متفاوتند.

۲- قسم اول بدون واسطه و قسم دوم و سوم با واسطه است. از عبارت « وَ يُرْسِلَ رَسُولًا » در این آیه شریف معلوم می شود که در قسم سوم بر خلاف قسم دوم، واسطه ، رساننده وحی است.

۳- روایت اشاره دارد بر اینکه مراد از «رسول» در این آیه فرشته است.

۴- خداوند وحی خود را به واسطه فرشته به پیامبران می رساند.

۵- قرآن می فرماید: « يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ » (نحل/ ۲) طبق بیان قرآن کریم، فرشته وحی علاوه بر حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) بر تعدادی از پیامبران مانند : حضرت ابراهیم (ع) ، لوط (ع) ، زکریا (ع) ، عیسی (ع) و حتی غیر پیامبران مانند : حضرت مریم(علیها السلام) آشکار شده و با آنان سخن گفته است. البته قرآن کریم معلوم نمی کند فرشته ای که برای ایشان نمایان شده است، فرشته وحی بوده یا نه، ولی روایت صحیح السند دلالت دارد بر اینکه «رسول» کسی است که فرشته وحی را در بیداری مشاهده می کند .

۱- حضرت محمد(صلی الله علیه وآله): در میان پیامبران الهی، از این قسم وحی برخوردار بود. جبرئیل انس خاصی با حضرت داشت. حتی پیش از نبوتش، در سن ۳۷ سالگی، به خواب حضرت می آمد و او را «رسول الله» صدا می زد. هنگامی که آن حضرت گوسفند می چراند، شخصی وی را «رسول الله» خطاب کرد. حضرت پرسید: تو کیستی؟ جواب داد: من جبرئیل هستم. خداوند مرا فرستاده است تا تو را به پیامبری برگزیند. حضرت این موضوع را از دیگران پوشیده نگه داشت. بیشترین وحی قرآنی به حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) با واسطه جبرئیل بوده است؛ چنان که برخی معتقدند: ظاهر برخی آیات، دلالت دارند که تمام قرآن کریم را جبرئیل فرود آورده است: و خداوند در قرآن می فرماید: « وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ



الْعَالَمِينَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ» (شعراء/ ۱۹۲-۱۹۴)، و راستی که این {قرآن} وحی پروردگار جهانیان است. روح الامین آن را بر دلت نازل کرد.

۲- حضرت عیسی (علیه السلام): قرآن کریم فرشته ای که حضرت عیسی (علیه السلام) را تأیید می کرد، «روح القدس» می خواند: «وَأَتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ» (بقره/ ۸۷)، و عیسی پسر مریم را معجزه های آشکار بخشیدیم و او را با روح القدس تأیید کردیم.

روح القدس یکی از اوصاف جبرئیل می باشد و مأموریت اصلی یا، دست کم، یکی از وظایف مهم او رساندن وحی به پیامبران است. بنابراین، احتمال برخورداری حضرت عیسی (علیه السلام) از وحی به واسطه فرشته وجود دارد. با توجه به مباحث مزبور، روشن شد که خداوند در رساندن وحی به پیامبران، گاه فرشته یا فرشتگانی را واسطه قرار می دهد. بنابراین، در وحی الهی علاوه بر پیامبر، فرشته یا فرشتگانی نیز مطرحند.

پرسش: در قرآن چند نوع وحی معرفی شده است؟

پاسخ اجمالی:

از آیات قرآن بر می آید که «وحی» معانی مختلفی دارد، با توجه به موارد استعمال کلمه «وحی»، می توان گفت: وحی پروردگار به دو صورت انجام می گیرد: بعضی تکوینی است و بعضی تشریحی .

۱. «وحی تکوینی» که در حقیقت همان صفات، غرایز و استعدادهای درونی است که خداوند در نهاد موجودات قرار داده است. مانند: وحی فرستادن به زنبور عسل.

۲. «وحی تشریحی» که بر پیغمبران فرستاده می شده و بیانگر رابطه خاص پیغمبران با مبدأ آفرینش بوده و از این طریق، حقایق را دریافت می داشتند. وحی تشریحی که بر پیامبران نازل می شد.

پاسخ تفصیلی:

از آیات قرآن به خوبی بر می آید که «وحی» معانی مختلفی دارد؛ و روی هم رفته در معنا های زیر به کار رفته است:

۱- وحی تشریحی که بر پیامبران نازل می شد. ۲- وحی خبر ۳- الهام به غیر انبیاء. ۴- وحی امر

۵- پیام الهی به فرشتگان. ۶- پیام با اشاره. ۷- القائنات مرموز شیطان. ۸- وحی به معنی بیان مخفی ۹- تقدیر قوانین

الهی در جهان تکوین. ۱۰- آفرینش غریزه ها.



* وحی در قرآن *

بر اساس آیات نورانی قرآن و بر اساس باور ما مسلمانان ، قرآن کریم محصول وحی الهی است و از این طریق پیامبر گرامی اسلام (ص) قرآن را دریافت کرده‌اند. خدای متعال در سوره مبارکه شوری، آیه ۱۳ می‌فرماید: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَنا إِلَيْكَ» خدای متعال برای شما دینی را تشریح کرد که آمیخته‌ای است از آنچه که به نوح پیامبر وصیت کرد و آنچه که به سوی تو ای پیامبر وحی کردیم .

پدیده «وحی» از مباحث مهم علوم قرآنی می باشد و اهمیت آن از این جهت است که قرآن کریم که سخن خدای متعال و کتاب هدایت انسان‌ها به شمار می‌رود از طریق « وحی » نازل شده است.

بیشترین استعمال واژه وحی در حدود ۶۰ مورد است که درباره وحی نسبت به شرایع دینی و ادیان آسمانی در قرآن کریم به کار رفته است.

وحی در قرآن به چهار معنا آمده است:

۱- اشاره پنهانی و پوشیده:

۲- هرگونه شعور و آگاهی غریزی و فطری؛ مانند وحی دد آیه شریفه « وَ أَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا»

۳- الهام نفسی و درونی که انسان آن را در می یابد اما منشا و خاستگاه آن شناخته شده نیست : « وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي » .

۴- الهام غیبی به پیامبران؛ وحی به این معنا بیش از هفتاد بار در قرآن کریم به کار رفته است؛ « نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقِصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ » .

در همین زمینه می‌خواهیم به تعریف واژه وحی و بیان توضیح بیشتری در این باره بپردازیم.

* تعریف وحی *

تعریف لغوی :



«وحی» در لغت به معنای مختلف آمده ، به معنای تفهیم رمزی و پنهان است. هر گاه کسی مطلبی را به صورت پنهانی به دیگری تفهیم کند یا انتقال یک مطلب به دیگری به صورت پنهانی و رمزی ، که جامع تمام آن‌ها القای سریع و نهانی و آگاهی مخفیانه و سریع است.

راغب در تعریف وحی می‌گوید: « اصل الوحی، الاشارة السریعة ». «وحی» در اصل به معنای تند و سریع بوده و «امر وحی» به معنای امر سریع آمده است . از آن جا که فهماندن مطلبی با رمز و اشاره سریع صورت گیرد «وحی» به کار می‌رود. وحی گاهی با کلام و سخن و گاهی به صورت صدای مجرد از ترکیب و گاهی دیگر هم به وسیله اشاره کردن با بعضی از اعضای بدن و یا در برخی اوقات با نوشتن انجام میشود .

ابن منظور نیز می‌گوید: « وحی » یعنی اشاره ، نوشته ، نامه ، الهام ، کلام پوشیده و هر مفهومی است که به غیر خود می‌رسانی .

وحی در لغت عربی به معنای اشاره سریع و گذرا و نهانی همراه با رمز و کنایه است. در زبان عربی می‌گویند «أوحی إلیه»، به صورت پنهانی بدون اینکه دیگران متوجه شوند مطلبی را به شخص دیگری منتقل کرد.

سپس کلمه «وحی» تعمیم یافته و به هر نوع فهماندن پنهانی خواه پنهان بودنش از نظر صدا و خواه به خاطر نحوه بیان مطلب باش ، اطلاق شده است.

تعریف اصطلاحی :

«وحی» در اصطلاح به معنای القای مطلب از سوی خداوند تعالی به پیامبران ؛ خواه با واسطه و خواه بی واسطه باشد؛ اعم از آن که دیگران بشنوند یا نشنوند؛ خواه از طریق نوشته باشد که پیامبران ببینند یا مطلبی باشد که به قلبشان الهام شود؛ چه در خواب صورت گیرد و چه در بیداری.

این معنای مشترک در تمام مصادیق و کاربردها صدق می‌کند؛ خواه القای امری تکوینی بر جمادات باشد و یا القای امری غریزی حیوانات؛ یا تفهیم خطورات فطری و قلبی بر انسان‌های معمولی باشد، یا تفهیم پیام شریعت بر انبیاء خواه با اشاره باشد یا نوشتار سری. در تمام این موارد خصوصیت تفهیم و

القای سری و سریع نهفته است.



خدای متعال گاهی به انسان‌ها الهام می‌کند و از این الهام، تعبیر به وحی کرده است. به عنوان مثال: در سوره قصص، آیه ۷ به مادر موسی وحی کرده است و می‌فرماید: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ» به مادر موسی وحی کردیم که موسی را شیر بده. «فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ» و هر گاه نگران او شدی، او را به درون رود نیل بینداز. کلمه وحی که در این جا به کار رفته است، به معنی الهام است.

نظیر همین معنا، بلکه به صورت کامل تر در مورد مریم(علیه السلام) در سوره مریم آمده است که فرشته وحی در برابر او ظاهر شد و بشارت تولد عیسی را به او داد.

وحی امر: یا الهام به عمل

در سوره مائده، آیه ۱۱۱ می‌فرماید: «وَإِذْ أُوحِيَتْ إِلَىٰ الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي» به خاطر بیاور هنگامی را که به حواریین امر کردم به من و فرستاده‌ام ایمان بیاورید. کلمه وحی در این جا هم باز به معنی الهام است. خدای متعال با حواریین از طریق الهام سخن گفته است که باز این هم یک نوع تفهیم رمزی و پنهانی است. وحی گاهی به اندیشه و تصور یا تصدیق و جزم تعلق می‌گیرد که در محور تعلیم و تعلم است و گاهی به انگیزه و عزم تعلق می‌گیرد در سوره مؤمنون، آیه ۴۷ می‌فرماید: «فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفَلَكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا لَهُ وَحْيَ كَرِيمٍ» نوح که در حضور، و به وحی و دستور، کشتی ساز.

وحی خداوند به ملائکه در قرآن:

وحی به فرشتگان یعنی پیام الهی به خود آنها از نمونه‌های دیگر استعمال واژه وحی در غیر از وحی در ارتباط با شرایع و ادیان، وحی خدای متعال به ملائکه است. خداوند در سوره انفال، آیه ۱۲ می‌فرماید: «إِذْ يُوحَىٰ رَّبِّكَ إِلَىٰ الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا» در جریان جنگ بدر خدای متعال به ملائکه وحی کرد که من یار و یاور شما هستم و شما هم به مؤمنان استقامت و ایستادگی بدهید. در این جا تعبیر وحی خدا به ملائکه به کار رفته است که باز به معنای وحی در ارتباط با شریعت و دین نیست؛ وحی در این جا به معنای الهام و تفهیم پنهانی مطلب است.

وحی ملائکه به انسان:



از دیگر موارد وحی در قرآن وحی ملائکه به انسان است. ملائکه الهی به انسان وحی می‌کنند خداوند در سوره مبارکه شوری، آیه ۵۱ می‌فرماید: «أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآيَاتِهِ مَا يَشَاءُ» خدای متعال فرستاده‌ای را می‌فرستد و او به اذن خدای متعال آنچه را که بخواهد وحی می‌کند.

در این جا فاعل وحی ، فرستاده خدا یعنی آن فرشته و آن ملک است و مخاطب وحی انسان است. پس ممکن است یک فرشته تفهیم پنهانی را نسبت به انسانی داشته باشد. این جا وحی توسط فرشته به انسان انجام می‌پذیرد.

وحی اشاره :

وحی انسان به انسان

همان طور که گفتیم کلمه وحی به معنای تفهیم پنهانی است و لذا اگر انسانی به صورت پنهانی و با اشاره مطلبی را به دیگران تفهیم کند تعبیر وحی در مورد او به کار می‌رود که در سوره مریم، آیه ۱۱ دربارہ حضرت زکریا می‌فرماید: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» زکریا از محراب عبادتش به سوی مردم بیرون آمده و با اشاره به آن‌ها گفت: صبح و شام خدا را تسبیح گوئید. خدای متعال به حضرت زکریا در سنین کهولت وعده فرزنددار شدن را داده است.

حضرت زکریا از محراب عبادت بیرون آمد و یکی از نشانه‌های این که وعده الهی در حق او در حال به وقوع پیوستن است، این بود که او سه شبانه‌روز از سخن گفتن عاجز شد؛ نمی‌توانست با کسی حرف بزند اما با اشاره به مردم فهماند که باید سه روز مردم عبادت کنند و تسبیح خدا را به جا بیاورند.

لذا قرآن می‌فرماید: «فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ» به قوم خودش و به مردمی که پیرامون او جمع شده بودند وحی کرد «أَنْ سَبِّحُوا» که تسبیح بکنید صبح و شام خدا را. این جا در تفاسیر نوشتند با اشاره مطالبی را به مردم فهمانید که خدای متعال برای بیان این نکته از واژه وحی استفاده کرده است .

وحی شیطان به شیطان : وحی "دروغ پردازی"

وحی به معنای القائات مرموز شیطانی

گاهی وحی از طریق شیاطین خطاب به شیاطین است. آن گونه که خداوند درباره ی شیطان در آیه ی ۱۱۲ سوره انعام می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا» و این چنین



برای هر پیامبری دشمنانی قرار دادیم که این دشمنان شیاطینی هستند از جنس انسان‌ها و از جنس جنیان که برخی از آن‌ها به برخی دیگر سخنان فریبده‌ای را وحی می‌کند و با این سخنان آن‌ها را می‌فریبد. این که بعضی از آن‌ها به بعض دیگر وحی می‌کند، یکی از احتمالات این است که یعنی بعضی از شیاطن به برخی دیگر از شیاطین وحی می‌کنند، مطالبی را به صورت پنهانی به آن‌ها بازگو می‌کنند و آن‌ها هم در مقابل مؤمنین موضع‌گیری می‌کنند.

وحی شیاطین به انسان :

وحی به معنی بیان مخفی

گاهی شیاطین هم به انسان‌ها وحی می‌کنند. در سوره مبارکه انعام، آیه ۱۲۱ می‌فرماید: «وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْهِمْ أُورِيئِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ» خدای متعال می‌فرماید: بعضی از این کفاری که می‌آیند با شما بر سر احکام شرعی مجادله می‌کنند، این‌ها اولیای شیاطین هستند، دوستان شیاطین هستند. می‌آمدند می‌گفتند این چه دستوری است که باید حیوان را هنگام سر بردن نام خدا را بر او ببریم و اگر نام خدا نبریم شما می‌گویید این حیوان میته می‌شود.

این حرف‌ها و این دستورات دینی را مورد تمسخر قرار می‌دادند. خدا می‌فرماید: این شیاطین هستند که به دوستان خودشان وحی می‌کنند که آن‌ها بیایند و با شما مجادله کنند و بگو، مگو داشته باشند. در واقع در این جا فاعل تعبیر وحی «لَيُوحُونَ» شیاطین است. شیاطین به سوی دوستان خودشان وحی می‌کنند، مطالبی را به صورت پنهانی تفهیم می‌کنند و به آن‌ها منتقل می‌کنند و آن‌ها در مقابل مؤمنین موضع‌گیری می‌کنند.

هدایت تکوینی (وحی تقدیر) :

وحی به معنای تقدیر قوانین الهی در جهان تکوین؛

وحی در یک معنای گسترده‌تر نسبت به همه اشیاء عالم به کار رفته است. خدای متعال در سوره مبارکه فصلت، آیه ۱۲ می‌فرماید: «فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرًا» خدا آسمان‌ها و زمین را در هفت طبقه بنا کرد و ساخت و در هر آسمانی امرش را (یعنی امر آن آسمان را) به او وحی کرد. یعنی نظام عالم را که خدا آفرید، در درون نظام عالم به صورت پنهانی نحوه جریان امور را تفهیم و تبیین کرد. در واقع تعبیر وحی در آیه شریفه ۱۲ سوره فصلت کلمه به کار رفته است، بدین معنا است که خدای متعال همه نظام عالم را تکویناً به آن سمتی که باید حرکت کند، به حرکت درآورده است.



در واقع عالم را به گونه‌ای آفریده است که هر جزئی از عالم آن کاری را که باید انجام بدهد به خوبی انجام می‌دهد. حرکت عالم در مسیری که خدای متعال برای مخلوقات در نظر گرفته است، با کلمه وحی از آن یاد شده است.

و همچنین در سوره مبارکه زلزال، آیه ۴ و ۵ می‌فرماید: «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا * بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا» وقتی قیامت به وقوع می‌پیوندد زمین ناگفته‌های خود را بازگو می‌کند «وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا» انسان می‌گوید زمین را چه شده است؟ خدا می‌فرماید: «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» در این روز است که زمین سخن‌ها و خبرهای خود را بازگو می‌کند «بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا» چرا؟ چون پروردگار تو به زمین وحی کرده است.

وحی در این جا باز به معنای همان تفهیم پنهانی و نامرئی پروردگار است. خدای متعال بدون این که دیگران ببینند و متوجه شوند به زمین می‌فهماند که باید سخن بگوید و زمین لب به سخن می‌گشاید و ناگفته‌ها را بازگو می‌کند که بر اساس روایات زمین شهادت می‌دهد به اعمالی که مردم بر روی آن انجام داده‌اند.

الهام به حیوانات :

وحی به معنای آفرینش غریزه‌ها در قرآن کریم وحی حتی درباره حیوانات هم به کار رفته است. در سوره مبارکه نحل، آیه ۶۸ می‌فرماید: «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ» پروردگارت به زنبور عسل وحی کرد که از کوه‌ها خانه‌هایی برای خودت برگزین و همچنین از درختان و از داربست‌هایی که انسان‌ها ایجاد می‌کنند.

در این جا کلمه وحی به معنای الهام است آن هم از نوع الهام غریزی که خدای متعال در غریزه حیوان، نوع ساختن کندو را قرار داده است. این توانایی زنبور عسل برای ساختن کندو، در قرآن کریم در قالب وحی بیان شده است. گویا خدای متعال به صورت پنهانی با زنبور سخن می‌گوید و به او تفهیم می‌کند که چگونه برای خود خانه بسازد.

* اقسام وحی در قرآن کریم *

وحی در یک تقسیم کلی بر دو گونه است: ۱- وحی تکوینی ۲- وحی تشریحی

عالی‌ترین شکل وحی، وحی تشریحی است که به انبیا بر اساس نیاز بشر به هدایت الهی ابلاغ شده و از شاخصه‌های نبوت است و به طرق گوناگونی به پیامبر ابلاغ می‌شود.



وحی در قرآن مجید بر سه گونه است: وحی در جمادات، وحی در موجودات زنده اعم از انسان و حیوان، و وحی در انبیا و رسل.

۱- وحی درباره جمادات

فقط در دو مورد به کار رفته در رابطه با زمین در روز قیامت است. چنانچه می فرماید: «اذا زلزلت الارض زلزالها... یومئذ تحدث اخبارها بان ربك اوحى لها» (۱) هنگامی که زمین به سخت ترین خود به لرزه درآید... زمین در روز قیامت خبرهای خود را خواهد گفت؛ زیرا خدایت به او این خبر دادن را وحی کرده و دستور داده. یعنی زمین بازگو می کند اخبار خویش را؛ زیرا خدایت به او وحی کرده تا خبر دهد. زمین موجود با شعوری است و نسبت به کارهایی که در آن انجام می شود، خیر باشد یا شر، حس و درک دارد. «فَقَضَا هُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا» (۲) خداوند در هر آسمان کار آن را به خود آسمان وحی کرد «وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا» (فصلت/ ۱۲) وحی کرد که باید چنان باشی و چنان کن. در این صورت آیه شریفه مانند بان ربك اوحى لها می شود.

۲- وحی در موجودات زنده:

این وحی به دو قسمت تقسیم می شود؛ یکی در انسان به غیر از انبیا و دیگری در حیوانات است. در انسان گاهی به معنای اشاره آمده؛ نظیر «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» (۳) پس چون برای بشارت یحیی، زبان حضرت زکریا از سخن گفتن عاجز ماند، از معبد به طرف قوم خویش آمد و اشاره کرد که خدا را بامداد و شامگاه تسبیح گویند.

«وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَ لَا تَخَافِي وَ لَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (۴) به دل مادر موسی انداختیم و الهام کردیم که موسی را شیر بده و اگر ترسیدی که فرعونیان دانسته و او را از دست تو بگیرند، او را به دست تو بگیرند، او را به دریا بینداز. در اینجا وحی به معنای الهام و تفهیم مخفی و انداختن معنا به قلب است.

و اما در حیوانات مانند آیه ای که درباره زنبور عسل است «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ» (۵)

این وحی یک نوع تفهیم و آموختن بخصوص در نهاد زنبور قرار داده و به او کیفیت کشیدن شیره و درست کردن عسل را تعلیم داده است. کار این حشره یکی از اسرار الهی و موجب تحیر آدمی است می گویند: اگر یک عدد زنبور عسل بخواهد



چهار صد گرم عسل تهیه کند، باید هشتاد هزار بار برای تهیه آن به صحرا برود و به کند و باز گردد. و چون خانه های شش ضلعی را پر از شیر کرده و آنقدر بالای آنها پر می زنند تا آب اضافی تبخیر شده و شیره قوام پیدا کند و عسل گردد لفظ اوحی نشان می دهد که کار این حشره یک امر تصادفی نیست، بلکه در اثر اراده و مشیت الهی می باشد.

۳- کیفیت ارتباط خداوند با پیامبران

به موجب آیه ۵۱ سوره شوری، خداوند به سه شیوه با پیامبران سخن می گوید ، تماس می گیرد و وحی می کند،

۱- وحی بدون واسطه : انداختن به قلب ، بدون واسطه .

۲- او من وراء حجاب : خداوند صدا را خلق می کند و پیامبر آن را می شنود، نظیر شنیدن صدا از

درخت توسط موسی.

۳- ملک به صورت انسان : جبرئیل به صورت انسان نزد پیامبر می آید و فرمان خدا را می رساند.

آیه شریفه چنین است : « وَ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِلَاذُنِهِ مَا يَشَاءُ أُنْزِلَ عَلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ خَبْرًا كَمَا نَزَّلْنَا عَلَى بَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ » (۶) خداوند با هیچ بشری به هیچ نوع سخن نمی گوید مگر (با این سه نوع) به طور وحی یا از پس پرده

و یا با ارسال ملک وحی (جبرئیل)

۱- وحی بدون واسطه : مستقیماً از طرف خدا به پیامبر القا می شود. و این از سختترین نوع است. یعنی بعضی از انبیا در

حالات خاصی ، کلام خدا را بدون واسطه می شنیدند.

عبید بن زراره از پدرش نقل کرده : که از امام صادق (ع) پرسیدم درباره حالت اغما و بیخودی که هنگام نزول وحی به

رسول الله (ص) عارض می شد ، آن هنگام بود که میان او و خدا واسطه ای نبود و خدا بر او تجلی می فرمود. بعد فرمود

ای زراره ، آن نبوت است .

آنگاه امام به حالت خشوع در آمد. در روایات آمده است، که هنگام نزول این نوع وحی ، دانه های عرق در هوای سرد در

پیشانی مبارکش ظاهر می شد.

در روایتی آمده است که یکی از اصحاب از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) سؤال کرد: وحی بر شما چگونه نازل می شود؟

حضرت فرمود: « احياناً يأتيني مثلُ صلصلةِ الجرس، وهو أشدهُ عليّ، فيفصمُ عني فقد وعيتُ ما قال، و احياناً يتمثل لي

الملك رجلاً فيكلمني فأعي ما يقول » گاهی وحی همانند صدای زنگ به سراغ من می آید، و این از همه بر من سخت تر



است، حقایق را بر من روشن می کند، و من آنچه را می گوید حفظ می کنم، و گاه فرشته وحی به صورت مردی در مقابل من مجسم می گردد و با من سخن می گوید و من آنچه را می گوید حفظ می نمایم .

۲- او من وراء حجاب : در این قسم از وحی واسطه وجود داشته، ولی واسطه، خودش وحی نمی کرده، بلکه وحی از ماورای آن نازل می شد. این قسم از وحی به دو نوع قابل تقسیم است :

الف) گاهی پیامبر حقایق را در عالم رؤ یا متوجه می شد. مانند حضرت ابراهیم(ع) که به این طریق فرمان یافت فرزندش اسماعیل را ذبح کند « فلما بلغ معه السعی قال یا بنی ائی اری فی المنام ائی

أذبحک فانظر ماذا تری »(۷)

ب) گاهی وحی از طریق امواج صوتی القا می شد؛ یعنی خدا با ایجاد صدا با پیامبر خود سخن می گفت . مانند مکالمه ای که خداوند در وادی طور با حضرت موسی (ع) داشت. سخن گفتن درخت با حضرت موسی (ع) که درخت واسطه بود و

خداوند از پس پرده با او سخن گفت؛ « فلما اتاهها نودی من شاطی الواد الایمن فی البقعة المبارکة من الشجرة ان یا موسی انی انا الله رب العالمین » . (۸)

۳- ملک به صورت انسان : به محضر پیامبر می آید. و آنچه را که خداوند دستور داده است به او می گوید. مشهور است که جبرئیل در صورت دحیه کلبی محضر رسول الله (ص) می آمد و وحی می آورد « قل

من کان عدواً لجبرئیل فانه نزله علی قلبک باذن اللّٰهنا » (۹)

وحی انبیا به وحی های دیگر قیاس نمی شود آن یک امری مهم و کاری ضروری در هدایت بشر است .

پیامبران ، از بعثت تا رحلت با خدا در تماس دائم بوده اند و جریان وحی ادامه داشت و مسئله هدایت و ارشاد، سامان می پذیرفت ، ولی در دیگران مثلاً یک بار به طور الهام اتفاق می افتد و بعدا معلوم می شد که درست بوده است انبیا از اول

صحت وحی را دانسته و آن را به صورت تکلیف و کار خداوند، بیان می کردند. پس وحی انبیا امری جداگانه است .

تکمیل بحث بنابر آیات شریفه و روایات اسلامی، نبوت در اثر یک روح مستقل از طرف خداوند بر وجود پیامبر است و از این جهت منحصر به اشخاصی است که خداوند آن روح را در وجود ایشان قرار داده است . در این زمینه آیاتی را از قرآن

کریم نقل می کنیم :

۱ - « ینزل الملائکة بالروح من امره علی من یشاء من عباده ان انذروا انه لاله انا فاتقون » . (۱۰)

۲- « ینزل الروح من امره علی من یشاء من عباده لینذر یوم التلاق » . (۱۱)



۳- « و كذلك اوحينا اليك روحا من امرنا ما كنت تدري ما الكتاب و لا الایمان» . (۱۲)
در هر سه آیه فوق ، سخن از وجود روح مستقل است . آن هم از عالم امر من امره - من امرنا عالم امر چنانچه المیزان فرموده است ، مخصوص موجوداتی است که بلا واسطه خلق شده اند. بنابراین ، نبوت ، یک امر عرضی و گسترشی در فکر و روح انسانی نیست .

بلکه چیزی ماورای آن . و یک حقیقت مستقل و جوهری است و لذا مخصوص اشخاصی معین است و دیگران ممکن است به هر مقامی برسند مگر نبوت . بنابر روایات کافی - که در رابطه با وجود روح در وجود امام ، صحبت می کند امامت نیز مانند نبوت از جنس نبوغ و توسعه فکر و روح نیست ، بلکه در اثر انتقال روح نبوت به وجود امام است .

نتیجه گیری:

وحی، بیانگر ارتباط خدا و انسان است. جایگاه خاص انسان در نظام آفرینش موجب شده است تا ارتباط فراتر از تکوین، میان انسان و خداوند برقرار گردد؛ وحی گاهی با کلام و سخن و گاهی به صورت صدای مجرد از ترکیب و گاهی دیگر هم به وسیله اشاره کردن با بعضی از اعضای بدن و یا در برخی اوقات با نوشتن انجام میشود. این وحی است که بهترین فرصت را به بشر بخشیده است ، وحی الهی در حقیقت، رحمت و فضل الهی به بشر است که این راه آسان و ساده و راست را به آدمی آموخته است.

انسان بسیاری از حقایق هستی را از طریق وحی می شناسد و به معارف الهی دست می یابد، به گونه ای که اگر وحی نبود بسیاری از حقایق و معارف بر انسان پوشیده می ماند. اگر وحی نبود جامعه بشری از آن آگاه نمی شد، و نمیتوانست آن را درک کند و در آن مسیر گام بردارد.

پس انسان باید از خداوند شاکر و سپاسگزار باشد که وحی را به عنوان راه ارتباطی و راهنمایی خود برگزید و برانسان منت نهاد تا او را پس از هبوط نیز در مسیر خلافت پرورش نماید و به کمال شایسته و بایسته اش برساند.

پی نوشت:

۱- سوره الزلزال، آیات ۱ تا ۵

۲- سوره فصلت، آیه ۱۲

۳- سوره مریم، آیه ۱۱



- ۴- سوره قصص، آیه ۷
- ۵- سوره نحل، آیه ۶۸
- ۶- سوره شوری، آیه ۵۱
- ۷- سوره صافات، آیه ۱۰۲
- ۸- سوره قصص، آیه ۳۰
- ۹- سوره بقره، آیه ۹۷
- ۱۰- سوره نحل، آیه ۲
- ۱۱- سوره غافر، آیه ۱۵
- ۱۲- سوره شوری، آیه ۵۲

منابع:

- ۱- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۸۰، ص ۳۷۹.
- ۲- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳، محقق / مصحح جمعی از محققان، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- ۳- جعفری، یعقوب، سیری در علوم قرآن، ص ۱۰۴.
- ۴- جمعی از محققان، علوم القرآن عند المفسرین، ص ۲۲۱.
- ۵- حجتی، محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۲۸.
- ۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۱۵، ص ۵۳۶.
- ۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن کریم، ص ۸۵۸.
- ۸- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۷۷-۱۳۳.
- ۹- طاهری، حبیب الله، ۱۳۷۷، درس‌هایی از علوم قرآنی، ج ۱، ص ۲۵۱ تهران، اسوه، چ اول.
- ۱۰- طباطبایی، محمد حسین، قرآن در اسلام، ص ۱۰۳.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- فضلی، عبدالهادی، تاریخ قراءات قرآن کریم، ص ۲۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ قمری، الکافی، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، دارالکتب الإسلامیة، تهران، چاپ: چهارم، ج ۱، ص ۱۷۴، باب ، طبقات الأنبياء و الرسل و الأئمة (ع)
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶ شمسی ، گرد آوری از کتاب: پیام قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ: نهم، ج ۱، ص ۲۱۸ . طاهری، حبیب الله، درس هایی از علوم قرآنی، ج ۱، ص ۲۵۱-۲۵۲.
- معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۶۷-۷۳.
- نورسی، سعید، المعجزات القرآنیة، ج ۱، ص ۶۴.